

# زنان و شبه‌مدرنیسم رضاخان

## تحلیل جامعه‌شناختی واقعه کشف حجاب

### زهرا علیزاده بیرجندی\*

◀ کشف حجاب زنان در دوره رضاخان، خواه‌ناخواه شباهت به همان شیوه‌ای دارد که اروپاییان در مورد مسلمانان اندلس (اسپانیای فعلی) به کار بستند تا از طریق ترویج بی‌بندوباری و شهوت‌رانی مسلمانان فاتح و پرشور را به قهقرا ببرند. امام خمینی (ره) تأکید می‌کرد استعمارگران برای به‌یوغ کشیدن ما ابتدا «به سراغ زنان ما آمدند» تا جامعه را از داشتن مادران خوب و متقی و دانا محروم سازند. مقاله حاضر گوشه‌هایی از سیاستهای استعماری در قبال زنان ایران و نتایج اسفبار تاریخی آن را بازگو می‌کند.



ویل دورانت گفته است: «آزادی زنان، نتیجه صنعتی شدن جهان است.» تفسیر سخن ویل دورانت آن است که صنعتی شدن، نخست زنان غرب را آزاد کرد و سپس آزادیخواهی را در میان زنان مسلمان و ایران ترویج نمود. از این رو، مؤثرترین اقدام آنها برای راهیابی به کشورهای اسلامی آن بود که زنان مسلمان را از طریق برداشتن حجاب و ملعبه قرار دادن او بی‌اعتبار کنند. همفر، جاسوس معروف انگلیسی، در اوایل قرن دوازدهم هجری در این باره به وزارت مستعمرات بریتانیا پیشنهاد کرد: «لازم است با این توجیه که حجاب از عاداتهای دوره خلفای عباسی بوده و ریشه در اسلام ندارد، زنان مسلمان را تشویق کنیم از حجاب دست بردارند. در این رابطه می‌توانیم استناد کنیم که مردم، همسران پیامبر را می‌دیدند و زنان در عصر پیامبر در تمام کارها شرکت می‌کردند. بعد از آن که زنان مسلمان از حجاب بیرون آمدند، جوانان را نسبت به آنان تشویق و تحریک کنیم تا بین آنان فساد ایجاد شود.» امام خمینی (ره) با آگاهی از این سیاست غرب فرموده است: «آنان چون می‌دیدند که زنان در نهضت مشروطه و پس از آن، نقش برجسته داشته‌اند و آنها هستند که می‌توانند حتی مردان را به میدان مبارزه بکشند، نخست به سراغ زنان ما آمدند.»

سفرنامه‌ها و کتابهای خاطرات گردشگران و ماموران غربی، آکنده از برنامه‌ها و سیاستهایی هستند که آزادساختن زنان ایرانی را به سبک غربی مدنظر و تأکید قرار داده‌اند. بررسی تاریخی سفرنامه‌ها و کتاب خاطرات گردشگران و ماموران غربی نشان می‌دهد در زمان برخورد اولیه آنها با جامعه ایرانی، حتی برای گردشگران زن اروپایی دیدن چهره زن ایرانی غیرممکن بود. گاسپاردروویل، گردشگر زمان فتحعلی‌شاه، در این باره می‌نویسد: «زنان ایرانی به هنگام برخورد با یک مرد بیگانه، فوراً طوری روی خود را می‌گیرند که حتی دیدن ریزی و درشتی چشم و یا رنگ آن غیرممکن می‌شود. و اغلب حتی اگر یک زن گردشگر تلاش می‌کرد تا چهره زن ایرانی را اتفاقی و نه به خواست خود او ببیند، با ناکامی مواجه می‌شد.» مادام دیولافوا در این باره می‌نویسد: «به این قصد به کجاوها نزدیک شدم، متأسفانه از زحمت خود نتیجه‌ای نگرفتم.» اما یکی از آثار آشکار سفر ناصرالدین‌شاه به اروپا، دستور او به تغییر و تحول در لباس زنان دربار بود که به تدریج به سطح جامعه نیز سرایت کرد. حتی در این دوره، شاهد تحول آرام از روابط شرعی به روابط غیرشرعی زنان و مردان هستیم، در حدی که اعتمادالسلطنه نقل می‌کند: «شاه امر فرمود که امین اقدس - یکی از همسرانش - به عیادت امین‌السلطان صدراعظم برود و حتی از او پرستاری نماید.» در اوایل سلطنت رضاخان، روند تغییر لباس زنان، شتاب بیشتری گرفت. در سالن زرتشتی‌های خیابان قوام‌السلطنه، همواره سخنرانی‌هایی در خصوص پیشرفت زنان برگزار می‌شد. مادام شافلاخر امریکایی، نماینده انجمن ترقی‌خواه امریکا، در یکی از سخنرانی‌هایش در همان سالن گفت: «خانمهای ایرانی باید طرز لباس پوشیدن مدرن و نیز روش و رفتار با مردان را بر پایه تمدن غرب بیاموزند.» پس از حادثه کشف حجاب و انقلاب سفید، دیگر حد و مرزی برای بی‌حجابی‌های زنانه باقی نماند. باین همه به تدریج

بخش اعظم زنان دریافتند که تشویق به تغییر لباس و حجاب، به آزادی واقعی و انسانی آنان نمی‌انجامد و لذا بازگشت به چادر محدودی عکس‌العملی در برابر فساد غربی بود که بسیاری از مردم تصور می‌کردند به واسطه خاندان سلطنتی بر آنها تحمیل شده است. تلاش برای تغییر در لباس زنان و نیز در نحوه سلوک آنان با مردان، نه تنها از سوی دولت و دولتیها، بلکه بخشی از آن، از سوی زنان و مردان غیردولتی صورت می‌گرفت. در اینجا به مواردی از این اقدامات غیردولتی اشاره می‌شود:

- ۱- ناگهان همه مشاهده نمودند که زرین تاج، ملقب به قرآلعین، با نهایت سکون، وقار و بدون حجاب به طرف جمع پیش آمد و به سخن ایستاد و گفت: «ای زنان از تنهایی به سوی اجتماع بیرون بیایید و این حجابی را که میان شما و زنان مانع از استفاده و استماع است، پاره کنید.»
- ۲- نورالمهدی منگنه از پیشتازان کشف حجاب در اواخر قاجاریه و اوایل پهلوی است که می‌گفت: «شما در زمان سلطنت شاهنشاهی هستید که مبانی تمدن و ترقی را برنامه‌ریزی کرده و شالوده تحصیلات و کسب علوم را برای زنان فراهم آورد.»
- ۳- پس از شهریور ۱۳۲۰ که رضاشاه از کشور فرار کرد و احتمال بازگشت حجاب می‌رفت، صدیقه دولت‌آبادی با نفرت شدید و احساس وحشت چنین نوشت: «این چادر، چادر بی‌عفتی است که می‌خواهند بر سر زنان بکشند، پرده بی‌عفتی است که بر روی فحشا می‌کشند، نه آن که مذهب این را گفته باشد.»

در کنار زنانی که مروج و مدافع بی‌حجابی بودند، باید به چهره‌هایی از مردان نیز که در این راه همپای سیاستهای غرب در ایران پیش رفتند، اشاره کرد:

الف. علی‌اکبر سیاسی، استاد دانشگاه و از کارگزاران پهلوی، در ماده ۲۵ مرامنامه اولین تشکل سیاسی‌اش به نام ایران جوان، با تأکید بر رفع موانع ترقی و آزادی نسل، نوشته است: «باید بکوشیم تعلیمات را در بین دختران گسترش دهیم و وسیله اعزام آنان به خارج را فراهم کنیم.»

ب. سعید نفیسی، نویسنده و استاد دانشگاه در دوره پهلوی، شیوه و انگیزه خود در مبارزه علیه حجاب را این گونه برمی‌شمارد: «اتنها مردی که طرف اعتماد جمعیت نسوان وطن خواه بود، من بودم من در جلسات هیات مدیره این جمعیت شرکت می‌کردم و اگر مردم آن روزگار می‌دانستند چه لذتی می‌برم، همه چشم‌چرانان این کشور بر من رشک می‌بردند.»

ج. احمد کسروی، نویسنده و مورخ، با برشمردن کشف حجاب در زمره کارهای نیک رضاشاه، تلاش او را بسیار موثر می‌دانست: «آنچه ما در تهران می‌بینیم، بیش از این نتیجه پیدا نشده که برخی پیره‌زال‌های ازجهان‌برگشته و برخی از زنه‌های بی‌سواد و ناقص، چادر به سر کنند.»

عشقی، اعتصامی و بهار که نه وابسته به دربار بودند و نه عامل استعمار، اما تحت تاثیر فرهنگ غرب قرار داشتند، به حجاب می‌تاختند:

۱. میرزاده عشقی:

تا که این زن کفن سر برده

نیمی از ملت ایران مرده

۲. پروین اعتصامی:

چشم و دل را برده می‌بایست اما از عفاف

چادر پوشیده بنیان مسلمانی نیست

۳. ملک الشعرا بهار:

چهره بگشای و ز چشم بد اغیار مترس

که گل آزرده‌دل از چشم بد خار نشد

البته در راه ترویج بی‌حجابی، نقش سفرا، همسران آنان، هیاتهای تیشیری و مبلغان مسیحی را نباید نادیده گرفت. استعمارگران در پی آن بودند که زن ایرانی را به سمت همسانی با زنان اروپایی سوق دهند. در این راه، صرفاً مبارزه با اصل حجاب کافی نبود و لذا آنها شیوه‌های دیگری را برای تکمیل پروژه حذف حجاب در پیش گرفتند و از میان این برنامه‌ها، به تاسیس و ترویج مدارس، مجامع و مطبوعات زنانه بیشترین اهمیت را می‌دادند؛ زیرا از این طریق، فکر و عقیده زنان عوض می‌شد و آنها خودشان به دنبال غرب می‌رفتند. بدرالملوک بامداد می‌نویسد: «مدارسی که به سعی زنها برپا شد، جمعیتها که تشکیل گردید، مقالات و روزنامه‌ها که منتشر کردند، نقش مهمی در فعالیتهای بعدی زنان داشت.»

## اقدامات نهادمند جهت تغییر

### در وضعیت سنتی زنان ایرانی

#### ۱- مدارس:

خانم کلارا کولیور ریس، همسر یکی از ماموران هیاتهای مذهبی و تبلیغی مسیحی که در سالهای قبل و بعد از جنگ جهانی اول در ایران سکونت داشت، می‌نویسد: «مدارس غربی راه را گشودند و آموزش و پرورش، ایران را در سالهای آینده زیر نفوذ اندیشه‌ها و شیوه‌های غربی قرار داد.» لرد کرزن، سیاستمدار معروف انگلیسی، با کم‌نتیجه‌دانستن فعالیت مبلغان مسیحی در ایران، آموزش از طریق مدارس را توصیه می‌کرد: «با تاسیس مدارس، به نحو اطمینان‌آمیزی می‌توان در قلوب توده خاصی که به رکود

فکری محکوم‌اند، تاثیر نمود.» در اجرای این سیاستها، نخستین مدرسه دخترانه توسط هیات مذهبی پروتستان امریکایی در ارومیه تاسیس شد. مدرسه بعدی، توسط فرقه لازاریست‌های وابسته به کلیسای کاتولیک فرانسه در روستاهای مسیحی‌نشین ارومیه و سلماس ایجاد گردید. این مدارس پس از یک تا دو سال فعالیت، با اعتراض مردم مواجه شدند و سرانجام تعطیل شدند اما پس از تغییر مبانی سیستم آموزشی کشور در زمان رضاخان، آنها راه خود را به شیوه دیگری ادامه دادند تا صلیب مسیح جای هلال اسلام را بگیرد.

#### ۲- مجامع:

شیوه دیگری که استعمارگران برگزیدند تا به وسیله آن، زنان ایرانی را به پذیرش شیوه‌های غربی بی‌حجابی عادت دهند، تاسیس و راهاندازی انجمنها، جمعیتها، و تشکلهای بود. طبیعی بود که در پشت صحنه فعالیتهای زنان، جای پای فراماسونری کاملاً مشهود باشد؛ زیرا بسیاری از زنان فعال در این تشکلهای دختر، همسر و یا خواهران عوامل فراماسون بودند. عمده فعالان این عرصه همان مروجان مدارس جدید و مشوقان کشف حجاب بودند که با هدایت و حمایت ماموران و مبلغان انگلیسی و امریکایی فعالیت می‌کردند. به گفته خانم ریس، انجمنی متشکل از هزاران زن تشکیل شد که انجمن آهنگین ایران نام گرفت. این انجمن تا حدود زیادی به کمک و هدایت بریتانیا بنا شد. در برخی از این تشکلهای زنان ایرانی و خارجی در کنار هم عضویت داشتند. به‌عنوان مثال، در انجمن آزادی زنان (تاسیس ۱۲۸۶) خانم مری پارک جردن و خانم استاکینگ بویس هم عضویت داشتند. یکی از اهداف این انجمن، ایجاد زمینه اختلاط و ارتباط میان مردان و زنان بود. برخی از انجمنهای زنان ایرانی، توسط خارجیها اداره می‌شدند؛ به‌عنوان مثال مجمع فارغ‌التحصیلان مدرسه عالی امریکایی در تهران (تاسیس ۱۳۰۱) را می‌توان نام برد.

#### ۳- مطبوعات:

به موازات توسعه مدارس و مجامع زنان، انتشار نشریات زنانه نیز در دستور کار زنان تجدیدطلب قرار گرفت. این نشریات نیز همانند مدارس و مجامع، تحت هدایت و حمایت مبشرین مسیحی قرار داشتند. آنها در واقع جای نشریاتی را گرفتند که تنها بخشی از صفحات خود را به زنان اختصاص می‌دادند. نشریات زنانه قصد داشتند مستقیماً و هرچه بیشتر و سریع‌تر، زنان را با فرهنگ غرب آشنا کنند و آنها را به این شیوه زندگی عادت دهند. در این راستا در سال ۱۲۸۹، اولین نشریه زنان به نام دانش توسط خانم کحال در تهران و در سال ۱۲۹۲ دومین نشریه زنان به نام شکوفه توسط خانم مزین السلطنه منتشر شد. بعد از آن بود که روند انتشار این گونه نشریات شدت یافت. مهمترین موضوعات مندرج در نشریات زنانه موارد زیر بودند: الف- ترویج روابط دختر و پسر؛ نشریه عالم نسوان در یکی از شماره‌هایش در این باره نوشت: «چرا از یک دختر جوانی که با پسری طرح دوستی می‌ریزد، جلوگیری می‌کنید؟ ب- ترویج فساد و فحشا؛

همین نشریه در چند شماره بعد، درباره ترویج فساد و فحشا نوشت: «به دلایل بسیار برای هر مرد و زن خوب است که چند رفیق از جنس مقابل داشته باشد.»

اما سرانجام علیرغم این تلاش گسترده استعمارگران، دولتهای استبدادی و روشنفکران برای دور کردن زنان ایرانی از ارزشهای ملی و دینی، توده زنان ایرانی عکس آن را به نمایش گذاشتند و پیرویه بازگشت به حجاب را با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ کامل کردند.

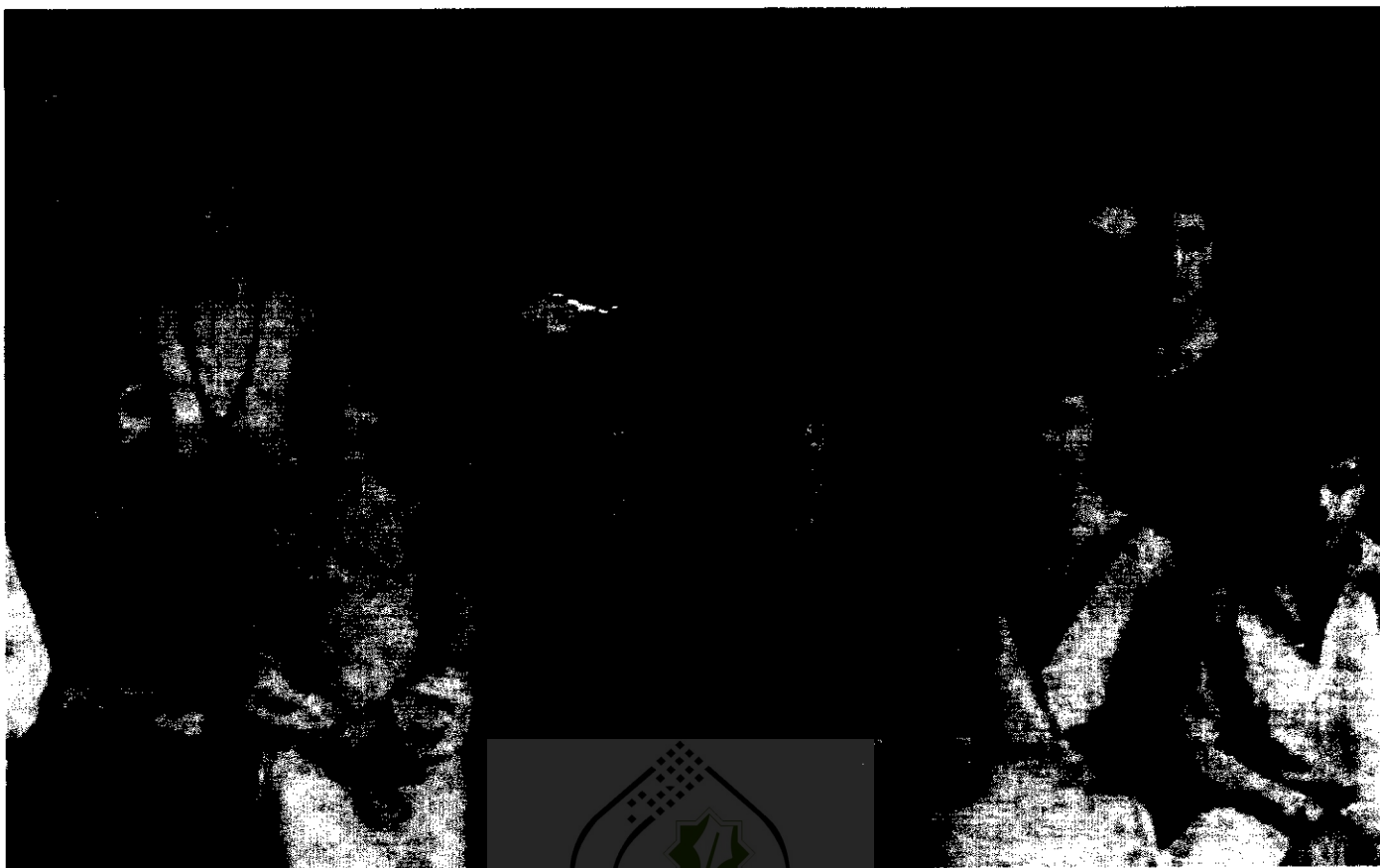
بحث درباره وضعیت و جایگاه زنان در تاریخ معاصر بی‌درنگ ماجرای کشف حجاب در عصر رضاشاه را در ذهن تداعی می‌کند. این رخداد از سوی صاحب‌نظران مورد تحلیل و ارزیابیهای گوناگون قرار گرفته است. در این نوشتار با اتخاذ شیوه‌های جامعه‌شناختی و با تکیه بر آرای پارسونز و بهره‌گیری از مدل وی در بحث ارزشها، به بررسی این جریان خواهیم پرداخت.

## زمینه‌سازی جهت

### تحقق رسمی کشف حجاب

در مورد سیاست تجددخواهی و اقدامات رضاشاه در نوسازی کشور، تعبیر و تحلیلهای گوناگونی از سوی صاحب‌نظران صورت گرفته است. برخی در مورد ایدئولوژی وی، اصطلاح «ناسیونالیسم سکولار مستبدانه» را به کار برده‌اند. کاتوزیان از حکومت رضاشاه به حاکمیت شبه‌مدرنیسم مطلقه تعبیر می‌کند. جان فوران با اشاره به ابعاد و جنبه‌های مختلف اقدامات رضاشاه، این اقدامات را «فرایند تجددخواهی نظامی به رهبری دولت» می‌خواند و معتقد است این نامگذاری، استبداد نظامی وی را نیز توجیه می‌کند. هریک از تعبیر، بخشی از ویژگیهای سیاست رضاشاه را دربرمی‌گیرند.

رضاخان از هنگام ورود به صحنه سیاسی تا پایان سلطنتش، در مورد زنان، به‌ویژه حجاب آنان، بنا به اقتضای موقعیت مواضع گوناگونی اتخاذ کرد. وی هنگامی که نخست‌وزیر بود - از ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۴ - عمداً و هوشیارانه از طرح موضوع حجاب پرهیز می‌کرد و همانند آغاز قدرتیابی‌اش سیاستی محتاطانه در مسائل دینی در پیش گرفت تا دینداران از وی نرنجند. در شهریور ۱۳۰۲ ابراهیم خواجه‌نوری، روزنامه‌نگار مشهور، مقاله‌ای در نشریه خود چاپ کرد و در این مقاله به زنان ایرانی توصیه نمود مانند زنان ترکیه به جای چادر از روسری استفاده کنند. این مقاله جنجالی در پایتخت به‌وجود آورد و در نتیجه اعتراض جامعه دینی، خواجه‌نوری به سه ماه زندان و پرداخت جریمه محکوم شد. رضاخان شخصاً ترتیب کار را به نحوی داد که خواجه‌نوری این سه ماه را به جای زندان در بیمارستان شهرتانی بگذراند. در این دوران مخالفت با حجاب در میان ایرانیان تحصیلکرده شهری پیوسته افزایش می‌یافت. باین حال در اردیبهشت ۱۳۰۶ رضاشاه هنوز درباره موضوع حجاب تا حدودی تردید داشت؛ زیرا وقتی نشریه عالم نسوان مقاله‌ای درباره بی‌حجابی زنان در ترکیه چاپ کرد، به آن نشریه هشدار داد. از پاییز ۱۳۰۶ و سراسر ۱۳۰۷ مساله تغییر لباس مردان شکل قانونی یافت اما هنوز در



مورد پوشش زنان تصمیمی گرفته نشده بود.<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد اتخاذ مواضعی از این دست، به منظور انحراف اذهان عمومی و ظرفیت‌سنجی مردم صورت می‌گرفت.

افزون بر اقدامات دولت رضاشاه در زمینه‌سازی برای کشف حجاب، برخی عوامل داخلی و خارجی نیز در این راستا موثر واقع شدند. روشنفکران، شاعران و نویسندگان ایرانی با آثارشان درباره زنان به دیدگاه حکومت و جامعه وضوح و شفافیت می‌بخشیدند و حکومت در راستای تمایلات سیاسی - فرهنگی خویش از آنها بهره‌برداری می‌کرد. آثار و اندیشه‌های این افراد و گروهها به شیوه‌ای غیرمستقیم، خواسته یا ناخواسته در تکوین اهداف رضاشاه و زمینه‌سازی برای تحقق خواسته او سهیم بودند.<sup>۲</sup> مطبوعات و نشریات مربوط به زنان که قبل از پادشاهی رضاخان منتشر می‌شدند، در این راستا ایفای نقش می‌کردند: مجله دانش (۱۲۸۹.ش)، روزنامه مصور شکوفه (۱۲۹۱.ش)، روزنامه زبان زنان (۱۲۹۸.ش)، مجله عالم نسوان (۱۲۹۹.ش)، جهان زنان (۱۲۹۹.ش)، مجله جمعیت نسوان وطنخواه (۱۳۰۲.ش)

در همه نشریات مربوط به زنان که پیش از پادشاهی رضاخان، یعنی از حدود سالهای ۱۲۸۹.ش تا ۱۳۰۴.ش منتشر می‌شدند، مقالاتی درباره آموزش و پرورش، کودکان، خنده‌داری و مسائل بهداشتی زنان درج می‌گردید، اما هنوز زود بود که از آزادی زنان، روابط مرد و زن و الغای شرایط سخت زندگی زنان آشکارا سخن به میان آید.

در این دوران هیچ شاعر و نویسنده‌ای نبود که

به نوعی به مسائل مربوط به زنان نپردازد. لاهوتی، ایرج میرزا، عشقی، پروین، کمالی، بهار، شهریار، دهخدا و سیداشرف‌الدین حسینی نمونه‌هایی از این افراد بودند.<sup>۳</sup> البته نوع نگرش و سبک بیان این اندیشه‌گران با هم تفاوت داشت.

از عوامل خارجی موثر در تسریع جریان کشف حجاب، یکی توقف امان‌الله پادشاه افغانستان و همسرش در تهران (در خرداد ۱۳۰۷.ش) به هنگام بازگشت از سفر اروپا بود. همسر امان‌الله در این سفر بدون حجاب ظاهر شد.<sup>۴</sup> عامل دیگر سفر رضاشاه به ترکیه و ملاقات او با آتاتورک و بازدید وی از دستاوردهای تحولات انجام گرفته در ترکیه بود.<sup>۵</sup>

رضاشاه برای تحقق سیاست همگون‌سازی زنان جامعه ایران با جوامع اروپایی و زمینه‌سازی جهت ترویج بی‌حجابی، سیاستی تدریجی و گام‌به‌گام در پیش گرفت:

- ۱- تغییر اجباری کلاه و لباس مردان. به قول کاتوزیان، تعویض کلاه مردان مقدمه کشف حجاب زنان بود، که هیچ‌کس جرات نکرد علنا به آن اعتراض کند<sup>۶</sup>
- ۲- حضور یکی از زنان خاندان سلطنتی بدون حجاب مناسب در حرم حضرت معصومه (۱۳۰۷.ش) و اعتراض یکی از روحانیون به وی. رضاشاه یا شنیدن این خبر عازم قم شد و فرد معترض را به باد کتک گرفت<sup>۷</sup>
- ۳- حضور صاحب‌منصبان حکومتی به همراه همسران بی‌حجابشان در تفرجگاهها و اماکن عمومی
- ۴- انتشار شایعه اعلام بی‌حجابی عمومی در نوروز ۱۳۰۸.ش. پخش شایعاتی از این دست، در زمینه‌سازی و آمادگی اذهان عمومی تاثیر داشت

۵- برگزاری جشنهای مختلط و مراسم مختلف و حضور زنان بی‌حجاب در آنها و در مواردی انجام عملیات ژیمناستیک و رقص و سرود توسط زنان

۶- تاسیس کانون بانوان به ریاست دختر بزرگ شاه (شمس)<sup>۸</sup>

۷- برخورد نظامی خشونت‌آمیز با مخالفان بی‌حجابی در مسجد گوهرشاد

۸- صدور بخشنامه وزارت آموزش و پرورش مبنی بر محرومیت دختران باحجاب از دریافت جایزه یا دیپلم و عدم پرداخت حقوق به آموزگاران که از چادر یا پیچه استفاده می‌کنند (بهار ۱۳۱۴)

۹- حضور ملکه و دخترانش بدون حجاب به همراه رضاشاه در مراسم افتتاح دانشسرای مقدماتی نوبنیاد تهران (هفدهم دی ۱۳۱۴)

۱۰- برگزاری جشنهای گرامیداشت بی‌حجابی در ماههای دی و بهمن ۱۳۱۴ در سراسر کشور.<sup>۹</sup>

گامهای تدریجی دولت سرانجام به اعلام رسمی کشف حجاب در هفدهم دی ۱۳۱۴ منجر گردید و پس از اعلام رسمی کشف حجاب، دولت برای تثبیت این قانون و اجرای جدی آن، اقدامات خاصی را انجام داد:

- ۱- اعطای وام به کارمندان دولت جهت خرید لباس مناسب برای همسرانشان به منظور حضور در جشنها و میهمانیها
- ۲- توبیخ و در مواردی اخراج کارمندان دولت در صورت عدم حضور آنها و همسرانشان (بدون حجاب) در ضیافتها<sup>۱۰</sup>
- ۳- بازداشت و مجازات مخالفان کشف حجاب
- ۴- ممانعت از ورود زنان باحجاب به فروشگاهها،

**همفر، جاسوس معروف انگلیسی در اوایل قرن دوازدهم هجری به وزارت مستعمرات بریتانیا پیشنهاد کرد: «لازم است با این توجیه که حجاب از عاداتهای دوره خلفای عباسی بوده و ریشه در اسلام ندارد، زنان مسلمان را تشویق کنیم از حجاب دست بردارند. در این رابطه می‌توانیم استناد کنیم که مردم همسران پیامبر را می‌دیدند و زنان در عصر پیامبر در تمام کارها شرکت می‌کردند. بعد از آن که زنان مسلمان از حجاب بیرون آمدند، جوانان را نسبت به آنان تشویق و تحریک کنیم تا بین آنان فساد ایجاد شود.»**

**در ترکیه که به الگویی برای رضاشاه تبدیل شده بود، آتاتورک هیچ قانونی برای ممنوعیت حجاب به تصویب نرساند اما رضاشاه به این عمل مبادرت کرد. اصلاحات ظاهری و مستبدانه رضاشاه با هدف رهایی و آزادی زنان و حضور آنان در صحنه اجتماع، فقط مورد استقبال برخی زنان طبقه متوسط و بالای جامعه قرار گرفت. در مواردی این تغییرات حتی نتیجه معکوس به بار آورد اجباری شدن بی‌حجابی به محرومیت دختران از تحصیل انجامید**

سینماها، گرمابه‌های عمومی، درمانگاهها، و یا ممانعت از سوار شدن آنها به درشکه و اتومبیل. برای اهانت بیشتر به زنان چادری، روسپیان حق بی‌حجاب شدن نداشتند. مجله شهرپانی نیز آماری از جرایم اعمال منفی که در زیر چادر انجام شده بود، ارائه داد. حکومت با اقدام به این تبلیغات سعی می‌کرد نماد عفت را به سبیل بی‌عفتی تبدیل کند.<sup>۱۳</sup>

**پیامدهای کشف حجاب**

در نتیجه اقدامات رضاشاه اگرچه از لحاظ مشارکت زنان در زندگی اجتماعی، اشتغال و ورودشان به قلمروهای آموزشی، پیشرفتهایی حاصل شد اما این پیشرفت‌ها در محدوده‌های خاص و در مقایسه با مردان و شرایط طبقاتی به شانس و تصادف بستگی داشت. ۱۵٪ از جنبه حقوقی هم تغییراتی صورت پذیرفت، اما تغییر بنیادین در وضعیت قانونی زنان، به‌ویژه در امر ازدواج، ایجاد نشد. قانون هنوز هم در امور مهم مردان را برتر می‌دانست. مردان هنوز امتیاز داشتن چهار همسر در یک زمان و طلاق آنها را به اراده خود داشتند. افزون بر این سرپرست قانونی خانواده مرد بود و مردان از حقوق ارثی بیشتری برخوردار می‌شدند. اما زنان همچنان از حق رای و نامزدی در انتخابات عمومی محروم بودند.<sup>۱۴</sup>

همراه با بی‌حجابی، مناسبات متقابل اجتماعی و تعامل میان زنان و مردان در مجامع عمومی افزایش یافت و در میان زنان طبقات متوسط و بالا، مدهای اروپایی و آرایش به سبک اروپاییان محبوبیت پیدا کرد. این دوره، دوره رونق کار خیاطی‌ها و سلمانیهای زنانه بود. البته انتشارات دولتی تحت تاثیر روحیه ناسیونالیستی حاکم بر آن دوره، تاکید می‌کردند که بهترین و زیباترین لباسها و لوازم آرایش زنانه در ایران و در کلر خانه‌های وطنی ساخته می‌شوند.<sup>۱۵</sup>

به هر حال در زمان رضاشاه موانع عمده پیشرفت زنان برطرف نشدند و هر چه دولت متجدد رضاشاه نیرومندتر شد، نهضت مستقل زنان ایران ضعیف‌تر گردید.

در ایران نیز، همانند ترکیه، این تحولات شتابان و بدون تعمق صورت می‌گرفت و با گذشت زمان شکلی صوری و تقلیدی از هنجارهای غربی پیدا کرد و بعضاً از سوی جامعه با مخالفت‌هایی روبرو شد.<sup>۱۶</sup> جالب آنکه در ترکیه که به الگویی برای رضاشاه تبدیل شده بود، آتاتورک هیچ قانونی برای ممنوعیت حجاب به تصویب نرساند اما رضاشاه به این عمل مبادرت کرد.<sup>۱۷</sup>

اصلاحات ظاهری و مستبدانه رضاشاه و اعمال خشونت‌آمیز وی در راه پیاده کردن برنامه‌های اصلاحی‌اش، موجب ناراضی و بی‌زاری مردم را فراهم آورد. این اقدامات که با هدف رهایی و آزادی زنان و حضور آنان در صحنه اجتماع صورت می‌گرفت، فقط مورد استقبال برخی زنان طبقه متوسط و بالای جامعه قرار گرفت. در مواردی این تغییرات حتی نتیجه معکوس به بار آورد و به جای این که به رهایی زنان بینجامد، عملاً سبب مهاجرت زنان شد. در شهرهای مذهبی مثل قم و در میان خانواده‌های سنتی، اجباری شدن بی‌حجابی به محرومیت دختران از تحصیل انجامید. بسیاری از زنان به علت برخورد‌های خشونت‌آمیز مأموران در خانه ماندند و

فقط برای مسائل ضروری همچون حمام رفتن - البته با تدابیر خاصی - از خانه خارج می‌شدند. آنها گاه از طریق پشت‌بام خانه‌های مجاور زنان خود را به حمام می‌رساندند. بسیاری از مردم به دلیل این فشارها تصمیم به خروج از کشور گرفتند. برای نمونه برخی زنان خرمشهر از مرز گذشتند و به عراق مهاجرت کردند.<sup>۱۸</sup> در مواردی کاسه صبر برخی زنان لبریز شد و دست به خودکشی زدند. بدترین و آزاردهنده‌ترین جنبه دستور کشف حجاب از نظر زنان، این بود که آنها حتی اجازه نداشتند روسری بپوشند و فقط مجاز بودند از کلاه استفاده کنند.<sup>۱۹</sup>

یکی دیگر از پیامدهای ممنوعیت حجاب، ایجاد تنش‌های دیپلماتیک میان ایران و انگلیس بود. مقامات انگلیس از حق زنان مسلمان هندی برای داشتن حجاب دفاع می‌کردند. همچنین در چگونگی رفتار دولت ایران با زائران افغانی در مشهد نیز در دسرهایی پیش آمد، چراکه زنان افغانی از ممنوعیت حجاب معاف شده بودند اما تشخیص و شناسایی آنان از زنان ایرانی کار دشواری بود و گاه‌ها معضلاتی ایجاد می‌کرد.<sup>۲۰</sup>

برخی جامعه‌شناسان که در مسائل اجتماعی ایران مطالعاتی انجام داده‌اند، اظهار می‌دارند که در دوران رضاشاه به دلیل اتخاذ ارزشهای غربی در مدرنیته کردن اجباری کشور، میان ارزشهای غربی و ارزشهای اسلامی - ایرانی چالشی به وجود آمد که جامعه را با بحران هویتی مواجه نمود و این بحران تا امروز ادامه یافته است.<sup>۲۱</sup> البته تردیدی نیست که تبادل فرهنگی میان نظامهای اجتماعی امری اجتناب‌ناپذیر است، اما نوع رویکرد و شیوه اقتباس عناصر جدید در کاستن از تنشهای فرهنگی نقشی تعیین کننده دارد.

حکومت و قدرت سیاسی می‌تواند با اتخاذ ترتیباتی مبتنی بر اجبار، هنجارها را به لحاظ آنکه عینی هستند، مطابق خواست خود کنترل و هدایت کند، ولی این ابزار برای تغییر ارزشها که ذهنی هستند، موثر نیست.<sup>۲۲</sup>

از دیدگاه جامعه‌شناختی، ارزشها را می‌توان به عنوان معیارهایی تعریف کرد که گروه یا جامعه بر مبنای آنها اهمیت اشخاص، الگوهای رفتاری، هدفها و دیگر اشیای فرهنگی اجتماعی را ارزیابی می‌کند. ارزشها معیارهایی هستند که به فرهنگ کلی و به جامعه معنا می‌دهند. ارزشهایی که در حیطه بررسی جامعه‌شناس هستند، با مشخصات زیر شناخته می‌شوند:

- ۱- ارزشها میان مردم مشترک‌اند و شمار کثیری از افراد درباره اهمیت آنها به توافق رسیده‌اند (وافق اجتماعی). ارزشها با عواطف همراهند و اشخاص برای صیانت ارزشها مبارزه می‌کنند.<sup>۲۳</sup>
- ۲- هنجار با ارزش تفاوت دارد، یکی از این تفاوتها آن است که ارزشها کلی هستند اما هنجارها معمولاً قواعد ویژه یک جمع همبسته را معین می‌کنند. هنجارها برای فرایند و ارتباطات اجتماعی از جهت قدرت سامان‌دهندگی حائز اهمیتند اما تجسم‌بخش اصولی نیستند که در ورای سازمان اجتماعی قابل اعمال می‌باشند. هنجارها از یک لحاظ به ارزشها جنبه عملی می‌دهند و از لحاظ دیگر مشروعیت خود را از ارزشها می‌گیرند.<sup>۲۴</sup>
- آنچه در جریان ممنوعیت حجاب در دوره رضاشاه اتفاق



افتاد. مطابق نظریات تالکوت پارسونز<sup>۲۷</sup> نمونه‌های اعوجاج ارزشی-محیطی (value-environment distortion) بود. یکی از مولفه‌های مهم نظریه‌های پارسونز در بحث تغییر، موضوع ارزشها است. بر مبنای این دیدگاه هرگاه ارزشها نتوانند تغییرات محیط را توجیه نمایند و یا تغییرات به صورت تلقی نادرست از خود محیط صورت پذیرند، نظام اجتماعی با مشکل مواجه خواهد شد. دلیل اهمیت ارزشها و ارتباط آنها با محیط در این نکته نهفته است که ارزشها دربرگیرنده هنجارها و نقشهای مای باشند و از همه مهمتر ارزشها علت موجودیت مستمر جمع هستند. وقتی چنین ارزشهایی دیگر قادر به تبیین محیط نباشند، نظام اجتماعی وارد دوره‌ای از دشواریهای بزرگ خواهد شد. این امر، همان اعوجاج ارزشی-محیطی است.

ارزشهای تحمیلی در مورد سبک پوشش دوران رضاشاه به دلیل ناهمخوانی با محیط، مشکلات عدیده‌ای را برای زنان به همراه داشت. لباس جدید، نوآوری و بدعت کاملی برای زنان شهری بود. همین بدعتگذاری ارزشی و هراسی که دولت از عدم تابعیت مردم داشت، زمینه‌ساز صدور بخشنامه‌های تهدیدکننده از سوی دولت شد تا با اعمال زور و خشونت، شرایط لازم برای تثبیت ارزشهای تحمیلی آماده شود.<sup>۲۸</sup> تعارض ارزشی-محیطی در آن دوره به گونه‌ای بود که حتی کارگزار این بدعتگذاری، یعنی رضاشاه قلبا و در درون از این امر ناخشنود و مضطرب بود. شاهدخت اشرف در این زمینه می‌نویسد: «به‌عنوان یک مرد هرچه به همسر و خانواده‌اش مربوط می‌شد، یک موضوع خصوصی بود. پدرم در خانه یک مرد تمام‌عیار نسل گذشته بود. به یاد دارم یک بار که با پیراهن بی‌آستین سر میز نهار آمده بودم، دستور داد فوراً لباسم را عوض کنم. او به‌عنوان شاه خود را آماده کرده بود احساسات نیرومند شخصی خود را به سود پیشرفت کشور خود کنار بگذارد. وقتی تصمیمش را گرفت، نزد ما آمد و گفت: «این سخت‌ترین کاری است که در عرم کرده‌ام، اما باید از شما بخواهم که سرمشق خوبی برای سایر زنان ایران باشید.»<sup>۲۹</sup>

سالها بعد - در سال ۱۳۵۳ - ملکه مادر به وزیر دربار، اسدالله علم، اقرار کرد که رضاشاه در مسیر رفتن به دانشسرا برای حضور در مراسم فارغ‌التحصیلی به وی گفته بود: «ترجیح می‌دهم بمیرد و در زندگی زنش را سربرهنه به مردان غریبه نشان ندهد اما چاره دیگری ندارد؛ چون درغیراین‌صورت دیگران فکر خواهند کرد که ایرانیان وحشی و عقب‌مانده‌اند.»<sup>۳۰</sup>

هنگامی که تعلق خاطر رضاشاه نسبت به ارزشهای اصیل جامعه این‌گونه باشد، می‌توان احساسات درونی و ذهنیت سایر مردان و زنان ایرانی را در مواجهه با ارزشهای جدید درک کرد. اکثریت جامعه نمی‌توانستند تغییراتی را که به‌ناگاه و با سرعت رخ داده بود، بپذیرند و درصدد تغییر نظام ارزشی برآیند. از سویی نیز به دلیل فشارهای دولت خودکامه و مستبد، آنان قادر نبودند محیط تجلی‌گر ارزشهای قبل از ممنوعیت حجاب را اعاده کنند و به‌همین دلیل برخی زنان واکنش خویش را با دوری از محیط جدید و محبوس کردن خود در خانه نشان دادند و اگر به ضرورت گاه مجبور به خروج از خانه

می‌شدند، از پشت بامها رفت و آمد می‌کردند.

برای ریشه‌یابی این جریان باید در جستجوی منابع دگرگونی برآمد که عبارتند از: ۱- منابع بیرونی تغییر ارزشها، ۲- منابع درونی تغییر ارزشها، ۳- منابع بیرونی تغییر محیط، ۴- منابع درونی تغییر محیط.

چالمرز جانسون که از رهیافت پارسونز به‌عنوان مدلی در بررسی تحولات استفاده کرده است، بدعتگذاران داخلی را جزو سرچشمه‌های احتمالی منابع درونی تغییر ارزشها برمی‌شمارد.<sup>۳۱</sup> مطابق این نظر، رضاشاه بدعتگذاری بود که تحت تاثیر منابع خارجی و ارزشهای بیرونی، کوششی را در جهت همگونی با جوامع اروپایی (به‌عنوان منبع بیرونی تغییر ارزشها) آغاز کرد.

با توجه به بافت سنتی تفکر رضاشاه و به‌ویژه ناهمخوانی ارزشهای غربی با محیط فرهنگی ایرانی، باید گفت حرکت رضاشاه اقدامی شبه‌مدرنیستی و برخاسته از احساس حقارت در برابر اروپاییان بود. مخبرالسلطنه (هدایت) در خاطراتش درخصوص دلیل تغییر لباس و کلاه از قول رضاشاه می‌نویسد: «آخر می‌خواهم هم‌رنگ اروپاییان شویم که ما را مسخره نکنند. گفتم البته مصلحتی در نظر گرفته‌اند. در دلم گفتم زیر کلاه است که مسخره می‌کنند و تقلیدهای بی‌حکمت.»<sup>۳۲</sup>

منشأهای بیرونی دگرگونی، آنهایی هستند که از پاره‌ای نظامهای دیگر در قالب آرگانیزمها، شخصیتها و فرهنگها - که با نظام اجتماعی هدف در تماس قرار دارند - ناشی می‌شوند.<sup>۳۳</sup>

در مورد رضاخان عملکرد دو شخصیت، یکی امان‌الله‌خان در افغانستان و دیگری آتاتورک در ترکیه را می‌توان در چارچوب عوامل بروزنا بررسی کرد اما منشأ اصلی بیرونی را باید همان نظام اجتماعی اروپاییان و سبک پوشش زنان غربی دانست که به‌شدت رضاشاه را تحت‌تاثیر قرار داده بود.

تغییرات ناشی از عوامل درونی، آنهایی هستند که از فشارهای داخلی ناشی می‌شدند. چنانکه گفته شد، در دوران رضاشاه و حتی قبل از آن میل به تغییر و آزادی زنان و تقاضای بهبود وضعیت حقوقی و اجتماعی آنان مطرح شده بود و حتی در درون طبقات متوسط و متوسط‌پهلا اندیشه‌هایی از رویند وجود داشت اما این خواسته‌ها با آنچه رضاشاه انجام داد، از نظر ماهیت و هدف تفاوت بسیاری دارد؛ زیرا خواسته زنان طبقات بالای جامعه با رفع ممنوعیت حجاب حتی پوشیدن روسری اصلاً قابل مقایسه نبود؛ درواقع آنان هیچ‌وقت در این حد خواهان کنارزدن حجاب نبودند.

در مجموع می‌توان گفت اقدامات شبه‌مدرنیستی رضاشاه در مورد زنان که صرفاً به‌شکلی سطحی و در قالب ظاهر و نوع پوشش به وقوع پیوست، به دلیل اجباری و تحمیلی بودن و به سبب ناهمخوانی ارزشهای جدید با محیط اجتماعی فرهنگی ایران، جامعه را با بحران و زنان آن روز را با چالشی هویتی مواجه نمود. ■

## پی‌نوشت‌ها

\* عضو هیات علمی دانشگاه بیرجند

۱- بدرالملوک بامداد، زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب

سفید، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۴۸، ص ۴۰

۲- مهرداد بروجردی، «پیروزیها و رنجهای نوسازی مستبدانه در ایران»، استفتائی کرونین، رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین، دولت و جامعه در دوران رضاشاه، ترجمه: مرتضی ثاقب‌فر، تهران، جامی، ۱۳۸۳، ص ۲۲۸

۳- جان فوران، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سلهای پس از انقلاب اسلامی، ترجمه: احمد تدین، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ چهارم، ۱۳۸۲، ص ۳۳۱

۴- هوشنگ شهبانی، «ممنوعیت حجاب و پیامدهای آن»، در: استفتائی کرونین، همان، صص ۲۹۲، ۲۹۳

۵- مریم فتحی، «سمت‌گیری تکاپوهای فرهنگی در جهت کشف حجاب از زنان»، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، تهران، سال هشتم، ش ۳۱، پاییز ۱۳۸۳، صص ۶، ۷

۶- عریحی آرین‌پور، از نیما تا روزگار ما، ج ۳، تهران، زوار، چاپ دوم، ۱۳۷۶، صص ۸۱، ۱۰

۷- هوشنگ شهبانی، همان، صص ۲۹۳

۸- مهدیقلی هدایت، خاطرات و خطرات، تهران، زوار، چاپ سوم، ۱۳۶۱، صص ۴۰، ۵

۹- محمدعلی همایون کاتوزیان، دولت و جامعه در ایران: انقراض قاجار و استقرار پهلوی، ترجمه: حسن افشار، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۰، صص ۴۴۶

۱۰- جان فوران، همان، صص ۳۷۵

۱۱- حمیرا رنجبر عمرانی، «تغییر ماهیت جمعیت‌های زنان از آغاز تا سازمان زنان»، فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران، تهران، سال نهم، ش ۳۳، بهار ۱۳۸۴، صص ۹۳

۱۲- هوشنگ شهبانی، همان، صص ۲۹۸

۱۳- همان، صص ۳۰۰؛ نیز ر.ک. پروانده آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی در ایران معاصر، ترجمه: احمد گل‌محمدی، محمدابراهیم فتاحی و لیلیا، تهران، نشر نی، ۱۳۷۷، صص ۱۷۹

۱۴- هوشنگ شهبانی، همان، صص ۳۰۱

۱۵- جان فوران، همان، صص ۲۵۹

۱۶- پروانده آبراهامیان، همان، صص ۱۷۹، ۱۸۰

۱۷- یاسمین رستم کلایی، «برنامه گسترده برای زنان ایران نو، قلمون، خانواده کار و کشف حجاب»، استفتائی کرونین، همان، صص ۲۶۲

۱۸- شادان پرند و زهرا سبحانی، زمینه‌های شناخت جامعه و فرهنگ ترکیه، تهران، مرکز مطالعه و تحقیقات فرهنگی بین‌المللی، ۱۳۷۳، صص ۱۲۰

۱۹- یاسمین رستم کلایی، همان، صص ۲۵۸

۲۰- هوشنگ شهبانی، همان، صص ۳۰۲

۲۱- محمدعلی همایون کاتوزیان، همان، صص ۴۴۷

۲۲- هوشنگ شهبانی، همان، صص ۳۰۴

۲۳- سعید معیذفر، جامعه‌شناسی مسایل اجتماعی معاصر در ایران، تهران، سرزمین ما، ۱۳۷۸، صص ۱۸۶، ۱۸۷

۲۴- عباس عبیدی، محسن گودرزی، تحولات فرهنگی در ایران، تهران، روش، ۱۳۷۸، صص ۱۱۸

۲۵- عبدالحسین نیک‌گیر، مبانی جامعه‌شناسی، تهران، راین، ۱۳۶۹، صص ۲۸۱

۲۶- آلبین استفورد کوهن، تئوریهای انقلاب، ترجمه: علیرضا طیب، تهران، قوس، ۱۳۷۲، چاپ سوم، صص ۱۳۱

۲۷- تالکوت پارسونز (۱۹۰۲-۱۹۷۹) جامعه‌شناس برجسته امریکایی و نظریه‌پرداز جامعه‌شناسی فونکسیونالیستی (functionalistic sociology) است. ر.ک: مجید مساواتی آذر، دیدگاه‌های جامعه‌شناسی درباره تغییرات اجتماعی، تهران، مؤلف، ۱۳۷۲، صص ۴۴

۲۸- حسام‌الدین شریعت‌بناهی، اروپاییان و لباس ایرانیان، تهران، قوس، ۱۳۷۲، صص ۲۰۶، ۲۲۲

۲۹- هوشنگ شهبانی، همان، صص ۲۹۹

۳۰- همان

۳۱- آلبین استفورد کوهن، همان، صص ۱۳۴

۳۲- محمدعلی همایون کاتوزیان، همان، صص ۴۴۶

۳۳- رابرت. اچ. لاور، دیدگاههایی درباره دگرگونی اجتماعی، ترجمه: کلووس سیدامامی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳، صص ۷۲